

انقلاب اسلامی و آگاهی‌بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره)

علی اکبری معلم*

محمد حسین پور اصل کلشانی^۲

چکیده

هدف: از شرایط وقوع انقلاب، عامل مردم است. در واقع، حمایت آگاهانه مردم از انقلاب، شرط اصلی پیروزی و حفظ دستاوردهای انقلاب می‌باشد. امام خمینی(ره) با درک این واقعیت، به عنصر آگاهی‌بخشی مردم در اندیشه و سیره خود در انقلاب اسلامی توجه کرده است. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه انقلاب اسلامی و آگاهی‌بخشی در اندیشه و سیره امام راحل می‌باشد. هم‌چنین ارائه راهکار برای حل مشکل ضعف آگاهی‌بخشی در نظام جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از شیوه مدنظر امام راحل از اهداف تحقیق حاضر است. پرسش اصلی این است که آگاهی‌بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) چه نقشی در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی داشته است؟

روش‌شناسی پژوهش: روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و استنادی است. برای پاسخ به این پرسش، آگاهی‌بخشی سیاسی مردم مطابق چهارچوب نظری امام در سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی تبیین شد و ابعاد آگاهی‌بخشی نیز در منظومه فکری امام مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته پژوهش این است که امام در رهبری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، با توجه به انجام تبلیغات و تعلیمات و آگاهی‌بخشی مردم در سه قسم مذکور، موفق شده است.

نتیجه‌گیری: استفاده از شیوه امام خمینی(ره) در حل مشکلات کشور، ترویج منظومه فکری و سیره امام خمینی(ره)، تقویت گفتمان انقلاب اسلامی، توجه به بُعد فرهنگی در حل مسائل کشور و فراگیر بودن شیوه امام از نتایج و پیامدهای تحقیق حاضر است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، آگاهی‌بخشی سیاسی، اندیشه و سیره سیاسی، فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی، فقه سیاسی، امام خمینی(ره).

Email: a.akbarimoallem@isca.ac.ir

Email: enghelabe.eslamii@gmail.com

۱- استادیار و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی. (نویسنده مسئول)

۲- دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی‌ارشد

رشته علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع).

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۳

مقدمه

در انقلاب‌ها، عوامل تعیین‌کننده‌ای وجود دارند که موفقیت و به نتیجه رسیدن انقلاب، وابسته به آن عوامل است. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) نیز از این قاعده مستثنی نبوده و سه عامل اساسی مکتب اسلام، رهبری مجتهد جامع شرایط و مردم آگاه، پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زدند. اما در بین این عوامل، عامل مردم آگاه که با آگاهی‌بخشی سیاسی تحقق می‌یابد، جایگاه ویژه‌ای در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) دارد؛ امام با درک عمیق از این عامل مهم، به‌طور اساسی به ابعاد مختلف آگاهی‌بخشی پرداخت و در عمل نیز به آن توجه نمود.

از مشکلات فعلی نظام جمهوری اسلامی ایران، ضعف آگاهی‌بخشی در ابعاد مختلف است. این ضعف به حدی فراگیر شده است که مقام معظم رهبری برای برون‌رفت از آن، امر به جهاد تبیین نموده‌اند. ایده اصلی نویسندگان مقاله این است که با بهره‌گیری از شیوه امام خمینی(ره) می‌توان بخشی از ضعف موجود را مرتفع و مقبولیت نظام را افزایش داد. با مراجعه به آثار و سیره حضرت امام این نکته واضح‌تر خواهد شد که امام چگونه با استفاده از عنصر آگاهی‌بخشی در پیروزی انقلاب و رهبری نظام جمهوری اسلامی موفق شده است و بکارگیری این شیوه امروز نیز می‌تواند به حل مشکل نظام یاری رساند.

انسان در نظر امام، محور تحولات بوده و آگاهی‌بخشی مردم، نخستین گام برای تغییر و تحول در باورها و فرهنگ و زمینه اجرای قوانین الهی است. در اندیشه امام، مردم آگاه و هوشیار، نقش اصلی را در پذیرش حکومت مبتنی بر قوانین اسلامی، در پذیرش رهبری ولی فقیه و در اجرای احکام و قوانین الهی و پیشرفت جامعه بر عهده دارند. از طرفی آگاهی‌بخشی عنصری کلیدی در افزایش مشارکت سیاسی اجتماعی مردم و همچنین سنجش میزان جامعه‌پذیری آرمان‌ها و اهداف انقلاب به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، از نیازهای اساسی انسان، میل به آگاهی است و بخشی از نظام کنشگری (بینشی، گرایشی و رفتاری) انسان‌ها در پرتو آگاهی و دانسته‌های آنان نسبت به دنیای اطراف شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، وجه تمایز انسان با سایر موجودات در بصیرت انسان است. به تعبیر امام، بصیرت است که سبب سعادت انسان و جامعه می‌شود (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۰: ۳۰۲). بنابراین، اسلام از مردم می‌خواهد که آگاهانه برای مصالح خود و مصالح مسلمین فعالیت کنند (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۸: ۵۳). نکته دیگر این که آگاهی‌بخشی مهمترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی، جنگ نرم و جنگ ترکیبی است. مطابق اصل جامعه‌پذیری سیاسی، آگاهی‌بخشی برای همه مردم و نسل‌ها به‌طور مستمر و با جدیت لازم است (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۲۰۳ و ۲۰۴). امام خمینی(ره) آگاهی‌بخشی را جزو وظایف و تکالیف خود می‌دانست (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۸: ۱۵۹).

از دیگر ضرورت‌های بررسی موضوع، لزوم برقراری تعامل حداکثری و هم‌افزا میان مردم و نظام اسلامی می‌باشد؛ در واقع، آگاهی‌بخشی مردم سبب توانمند شدن آنان برای یک زندگی اجتماعی مطلوب می‌باشد. اساساً لازمه اقدام و عمل در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، آگاهی است. امام خمینی(ره) نیز با پی‌بردن به اهمیت این امر در رقم زدن تحولات اثرگذار کلان، عدم آگاهی ملت‌ها را سبب تسلط حکومت‌های فاسد و دشمنان بر آنان دانسته (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۶: ۳۲۵)؛ و معتقدند که آگاهی‌بخشی، اولین قدم برای مبارزه

با طاغوت می‌باشد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۲۰۲ و ج ۷: ۳۲۷). از این رو در نظر ایشان استقلال ملت‌ها به میزان بیداری و آگاهی آنان بستگی داشته (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۳: ۵۳۱) و آگاهی مردم و در نتیجه همگامی آنها با حکومت، بزرگترین ضامن حفظ امنیت در جامعه می‌باشد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۴: ۲۴۸). بر این اساس سؤال اصلی این است که آگاهی بخشی مردم در اندیشه و سیره امام خمینی (ره) چه نقشی در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی دارد؟ سؤالات فرعی بر اساس سؤال اصلی عبارتند از: آگاهی‌بخشی در فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی امام چه نقشی در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی دارد؟ همچنین ابعاد آگاهی‌بخشی در اندیشه و سیره امام چه نقشی در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی ایفا کردند؟ روش به‌کار رفته در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و استنادی و گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار کتابخانه می‌باشد.

پیشینه‌یابی و نوآوری پژوهش

در زمینه بررسی اندیشه و سیره امام خمینی (ره) کتاب‌ها و مقالات بسیاری انتشار یافته است. بخشی از این تحقیقات معطوف به فقه سیاسی، اخلاق سیاسی و فلسفه سیاسی می‌باشد. برخی دیگر نیز درصدد بررسی یک مفهوم از مفاهیم مهم سیاسی از قبیل مشروعیت، سیاست، دولت، مشارکت در اندیشه امام خمینی (ره) برآمده‌اند. اما آنچه پژوهش حاضر را از دیگر آثار متمایز می‌کند، پرداختن به موضوع آن است؛ با جستجویی که در بین تحقیقات گذشته صورت گرفت، محرز شد که تحقیقی به‌صورت مجزا به بحث آگاهی بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی (ره) و نقش آن در انقلاب اسلامی و استفاده از این شیوه امام برای حل مشکل نظام نپرداخته است. هرچند به صورت جزئی در بعضی آثار به نقش آن در وقوع انقلاب اسلامی پرداخته شده است. اما برای اولین بار این موضوع به صورت مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، نوآوری این پژوهش، حل ضعف آگاهی بخشی مردم توسط نظام جمهوری اسلامی با استفاده از شیوه امام خمینی (ره) در رهبری انقلاب و نظام می‌باشد. همچنین در این تحقیق به ابعاد آگاهی بخشی مطابق منظومه فکری امام راحل نیز پرداخته شده است. که در آثار پژوهشی گذشته مشاهده نمی‌شود.

مفاهیم و مباحث نظری

مفاهیم

در این جا به برخی از مفاهیم اصلی تحقیق به‌طور مختصر اشاره می‌شود. تا مقصود از آنها در این مقاله روشن شود.

الف. آگاهی‌بخشی

آگاهی در لغت به معنای شناخت، اطلاع، هشیارسازی، آگاه‌سازی، آگاهی دادن و حالت هوشیار بودن کسی است؛ و متضاد غفلت، بی‌خبری و جهالت است (علی اکبر دهخدا، ۲۰۱۱-۲۰۰۶: ج ۱: ۵۱). آگاهی و بیداری در اندیشه امام خمینی (ره) امری درونی و قلبی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۱: ۳۸۲) و نقطه مقابل غفلت

است (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۴۰۶) که شامل دین و دنیا می‌باشد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۵: ۲۵۰). از این رو به شخصی بصیر و آگاه گفته می‌شود که ضمن توانایی ارزیابی صحیح مسائل (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۴: ۲۲۸) هیچ انحرافی نداشته و بر صراط مستقیم انسانیت قرار داشته باشد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۵۰۹). مطابق نظر امام، آگاهی بخشی، فرایندی تدریجی و مستمر می‌باشد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷۴: ۲۲ و ج ۹۳: ۱۹).

بین آگاهی بخشی مردم و احساس اثر گذاری مردم در سرنوشت و اداره امور جامعه، رابطه وجود دارد؛ به عبارت دیگر، آگاهی بخشی زمانی حاصل می‌شود که مردم احساس کنند می‌توانند در سرنوشت خود اثرگذار باشند و به میدان عمل و اقدام وارد شوند (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۴: ۳۵۹). به عبارت دیگر، میزان اثرپذیری مردم رابطه مستقیمی با آگاهی آنان دارد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۳: ۹۹). اگر آگاهی بخشی همراه با توجه به اقتضات زمانی و مکانی آن (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۱۹۹) باشد به میزان اثرپذیری آن افزوده خواهد شد. مقصود از آگاهی بخشی در این نوشتار، آگاهی بخشی سیاسی است و آن به معنای مجموعه‌ای از اطلاعات، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های سیاسی است که افراد در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی درباره نظام سیاسی کسب می‌کنند. آگاهی بخشی سیاسی نسبت به همه مباحث و مسائل مورد نیاز زندگی فردی و اجتماعی و در سه سطح عقاید، اخلاق و رفتار مدنظر است.

ب. اندیشه و سیره امام خمینی(ره)

اندیشه در لغت به تفکر، تأمل، بیم و اضطراب (علی اکبر دهخدا، ۲۰۱۱-۲۰۰۶: ج ۱: ۲۵۷) فکر، گمان، اندیشه کردن، فکرکردن، خیال کردن، احساس ترس و بیم کردن (حسن عمید، ۱۹۸۱: ج ۱: ۲۴۷) آمده است. هر حرکت و انتقالی که برای نفس در ادراکات جزئی صورت گیرد را در اصطلاح اندیشه گویند (ملاهادی سبزواری، بی تا: ج ۱: ۸۴). اندیشیدن فرایندی درونی است که در ذهن اتفاق می‌افتد و منجر به یک حوزه شناختی می‌گردد که نظام شناختی شخص متفکر را تغییر می‌دهد. بر این اساس اندیشه و تفکر عبارت است از؛ آغاز یک فرایند و فعالیت ذهنی جهت طرح سؤال و پرسش، بررسی و تحلیل داده‌های مفروض، تعریف راهکار جهت نیل به مقصود است.

سیره در لغت به معنای روش، طریقه، سنت، (احمد ابن فارس، ۱۹۸۴: ج ۳: ۶۱) سبک و چگونگی اجرای کار و مطلق حرکت کردن و راه رفتن به کار رفته است. سیره بر نوع و سبک رفتار دلالت می‌کند (احمد ابن فارس، ۱۹۸۴: ج ۳: ۶۱: ابن منظور، ۱۹۹۳: ج ۴: ۳۸۹). اما سیره در اصطلاح در معانی متفاوتی به کار رفته است. برخی آن را به معنای طریقه و حالت دانسته‌اند که برگرفته از مفهوم لغوی آن است (سیدمحمدحسین طباطبایی، ۱۹۹۶: ج ۱۴: ۱۴۴). بعضی دیگر سیره را برابر تاریخ و ثبت وقایع تاریخی قرار داده‌اند که دامنه وسیعی همانند تاریخ پیدا می‌کند (محمد ملک‌زاده، ۲۰۰۶: ۱۹-۲۰؛ مرتضی مطهری، ۲۰۰۱: ج ۱۶: ۴۸-۵۱). عرف تاریخ نویسان، همین معنا را تأیید می‌کند و برداشت عمومی آنان از سیره، ذکر حوادث و سرگذشت افراد است (محمد ملک‌زاده، ۲۰۰۶: ۲۱-۲۲). برخی اندیشمندان اسلامی بر این باورند که هم‌وزن بودن سیره با هیئت «فَعَلَهُ» معنای خاصی به آن می‌بخشد و آن نوع و سبک خاص رفتار است. بر این

اساس، هر رفتاری را نمی‌توان سیره نامید؛ بلکه رفتاری که روش و سبک ویژه داشته باشد، مصداق سیره خواهد بود (مرتضی مطهری، ۲۰۰۱: ج ۱۶: ۴۸-۵۱).

منظور از اندیشه و سیره امام خمینی(ره) طرز تفکر، روش و نوع حرکت و رفتار امام خمینی(ره) در راستای مبانی و اصول مورد اعتقاد ایشان می‌باشد که باعث می‌شود ایشان شاخص‌ها و ویژگی‌های خاصی را در نظام بینشی، گرایشی و رفتاری دارا باشد. این اندیشه و سیره در بیانات ایشان نیز جلوه می‌کند.

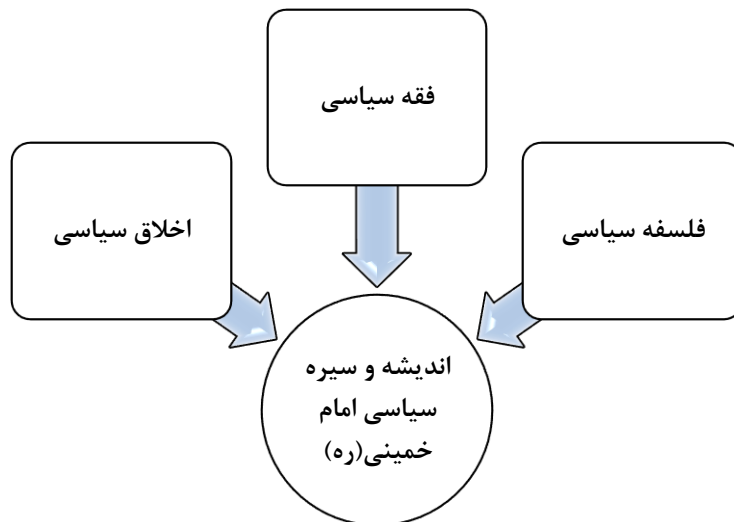
چهارچوب نظری (اقسام آگاهی بخشی در منظومه فکری امام خمینی(ره))

بر اساس اندیشه امام خمینی(ره)، آگاهی بخشی مردم در ابعاد فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی ضرورت داشته و هر یک از این سه بُعد، بر یکدیگر تاثیر و تأثر متقابل دارند. امام خمینی(ره) برابر احتیاجات بشر و مقامات سه گانه انسانی (نشئه آخرت، برزخ و دنیا) و تقسیم سه گانه علوم نافع (امام خمینی، ۲۰۱۲: ۶۹)، اسلام را به سه بُعد تقسیم می‌کند: بُعد عقاید اسلامی، بُعد اخلاق اسلامی و بُعد اعمال اسلامی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۴: ۲۴۳ و ۲۴۴) بر این اساس، اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی(ره) را می‌توان به سه قسم فلسفه سیاسی^۱، اخلاق سیاسی^۲ و فقه سیاسی^۳ تقسیم کرد و آگاهی بخشی به هر سه قسم مذکور سرایت دارد. در این جا به بیان مختصر هر یک پرداخته می‌شود.

۱. فلسفه سیاسی به مباحث و مسائل ثابت مربوط به حوزه سیاست و زندگی اجتماعی می‌پردازد؛ مسائلی که در صدد پاسخگویی به پرسش‌های ابدی سیاسی هستند؛ مثل دولت مطلوب، مشروعیت و علت نیاز به حکومت.

۲. اخلاق سیاسی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، قواعد و معیارهای سیاسی مبتنی بر مکتب اسلام اطلاق می‌شود که رعایت آنها برای رسیدن به کمال ضروری است.

۳. فقه سیاسی آن بخشی از فقه و عمل مکلفان است که به اداره سیاسی کشور، مسائل اجتماعی، حکومت و به اداره زندگی مردم در حوزه داخلی و خارجی مربوط می‌شود؛ مثل شکل حکومت و حقوق متقابل مردم و حکومت.



شکل ۱: اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی (ره)

آگاهی بخشی و فلسفه سیاسی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) معتقد است که خود انسان، اساس شکست‌ها و پیروزی‌ها، رستگاری و سعادت یا شقاوت است. به تعبیر ایشان، باور انسان، اساس تمام امور است (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۴: ۳۰۶). بنابراین به دلیل برخورداری انسان از عقل، آزادی و اختیار خدادادی، امام برای انسان، جایگاه ویژه‌ای قائل است. براین اساس امام خمینی (ره) بر آگاهی بخشی انسان نسبت به اصل توحید، امامت و رهبری و معاد برای ایجاد تحول و تغییر جامعه تأکید دارد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۳۸۷ و ۳۸۸ و ج ۴: ۱۶۱). به همین دلیل امام تلاش کرد تا باور شاه‌خواهی جامعه ایرانی را به باور ولایت‌خواهی تغییر دهد. با موفقیت امام و همفکرانش در تغییر باور مردم، جامعه ایرانی به فروپاشی رژیم سلطنتی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، رضایت داد و در دفاع و تحقق باور ولایت‌خواهی حتی از نثار جان‌ش مذاقّه نکرد.

امام خمینی (ره) همچنین معتقد به آزادی مطلق انسان است؛ مگر آنکه موجب مفسده‌ای شود (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۴۱۹). به نظر ایشان، حق تعیین سرنوشت برای ملت یک حق قانونی، شرعی و بشری است (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۱۳). امام در عمل نیز با انجام رفراندوم جمهوری اسلامی و قانون اساسی و برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا به این ایده، جامعه عمل پوشانده است.^۱

۱. اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

امام علاوه بر این که رأی اکثریت مردم را معتبر دانسته و بر آن تأکید دارد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۱: ۳۴ و ج ۱۴: ۱۶۵)، برای مردم حق نصیحت (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۸: ۴۸۸ و ۴۸۷)، حق انتقاد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۴: ۳۵۹ و ج ۵: ۴۰۹) و حق اعتراض و نظارت (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۳: ۱۴، ج ۷: ۷) نیز قائل است.

از منظر امام اگرچه مشروعیت ولی فقیه، مشروعیت الهی است ولی فعلیت نصب فقیه به رضایت و پذیرش عموم مردم بستگی دارد. از نظر امام راحل دستیابی به قدرت سیاسی از روی قهر و غلبه و بدون رضایت مردم مشروعیت ندارد. چرا که اجبار انسان و جامعه با مبانی امام‌سازگاری ندارد. بر این اساس است که امام عدم آگاهی‌بخشی را سبب اقدام تحمیلی می‌دانند (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۴: ۷۳). امام راحل انقلاب اجتماعی را برای تشکیل حکومت جهت اجرای احکام الهی از طریق آگاهی‌بخشی مردم ضروری دانسته و بر این اساس، امت اسلامی را از مشارکت سیاسی ناآگاهانه برحذر داشته (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۰: ۵۹) و انتخاب افراد ذی‌صلاح، آگاه و بصیر را ضامن اجرای حقیقی اسلام می‌دانند (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۵۰۹). بنابراین بر اساس اندیشه فلسفه سیاسی امام، آگاهی‌بخشی مستمر مردم ضروری است. چون همه چیز به رأی و خواست مردم آزاد مختار آگاه بستگی دارد؛ و تجربه تاریخی تحولات سیاسی و اجتماعی نشانگر آن است که احتمال اشتباه مردم بصیر و آگاه، حداقلی است. پس در اندیشه امام، برای تشکیل حکومت و حفظ آن، هیچ راهی جز آگاهی‌بخشی مردم و جلب رضایت مردم وجود ندارد. از این رو است که امام بر مستمر بودن آگاهی‌بخشی تأکید دارد: «روشنگری‌های شما اثر خودش را کرد و مردم ایران یکپارچه با هوشیاری قیام کردند و مسائل به اینجا رسید؛ لکن از اینجا به بعد بسیار مشکلتر است» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۲۴۸). امام با آگاهی‌بخشی مردم در تغییر باور و اعتقادات نادرست آنان و همراه کردن جامعه با باورهای اسلام سیاسی توانست نظام سلطنتی با سابقه دو هزار و پانصد ساله را سرنگون و حکومتی با محوریت فقیه جامع شرایط بنا کند و در استمرار نظام نیز مرتب یادآوری می‌کرد که نباید با اعمال خود، کاری کنیم که اعتقاد و باور مردم از نظام و مسوولان برگردد و برای حفظ باور مردم به نظام مدام تأکید داشتند.

آگاهی‌بخشی و اخلاق سیاسی امام خمینی (ره)

از نظر امام خمینی (ره) بین اخلاق و سیاست رابطه وجود دارد؛ یعنی ممکن نیست سیاست و اجتماع سالمی وجود داشته باشد ولی اخلاق و تربیت مردم نامطلوب باشد (امام خمینی، ۲۰۱۵: ۵). از دیدگاه امام، اساس، معنویات است و با اصلاح و پرورش این بُعد در انسان، همه مشکلات دیگر حل خواهد شد. (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۳: ۴۳۱ و ۴۳۳) به همین دلیل ایشان معتقدند حکومتی که انگیزه الهی و انگیزه اخلاق و ارزش‌های معنوی انسانی داشته باشد، باعث مهار و اصلاح جامعه می‌گردد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۶: ۱۶۲). به اعتقاد امام، انسان دارای سرشت دوگانه بوده و دارای جنود رحمانی و جنود شیطانی است و موفقیت انسان، زمانی است که مدام بر قوای شیطانی غلبه یابد. انسان زمانی می‌تواند بر جنود شیطانی غلبه کند که

با تربیت نفس، دارای شاخص‌های فضیلت اخلاقی شود؛ مثل ایمان، عدالت، توکل، تواضع، صداقت، زهد و ساده‌زیستی، رفق و مدارا و صبر و از رذایل اخلاقی مثل ریا، حسد، حب به دنیا، نفاق و غیبت دوری کند. امام در این باره می‌گویند:

«مذهب اسلام هم زمان به اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسانها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی برقرار نماید» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۴: ۴۱۹).

بنابراین، انسان‌ها در صورتی که بتوانند با آگاهی‌بخشی و از طریق تهذیب نفس، از رذایل اخلاقی دوری کنند و از فضایل اخلاقی برخوردار شوند، می‌توانند برخوردار از عقل سالم شده و عقلی که آکنده از قوای رحمانی باشد، در آرای خود اشتباه نمی‌کند، در غیر این صورت رفتارهای انسان غیرمهدب، موافق قوای شیطانی بوده و مخرب جامعه و مخالف اهداف و قوانین الهی خواهد بود؛ بنابراین، آگاهی‌بخشی مردم نسبت به فضائل اخلاق سیاسی و پرهیز از رذایل اخلاق سیاسی در آماده‌سازی جامعه برای ایجاد انقلاب و برپایی حکومت مبتنی بر احکام و قوانین الهی ضرورت دارد و امام نیز به کمک همفکران خود در وقوع انقلاب اسلامی به همین آموزه عمل کردند و موفق شدند. مردم ایران در سال‌های ۵۶ و ۵۷ متأثر از آگاهی‌بخشی امام و یارانش در بُعد اخلاق سیاسی، از رذائل اخلاقی دوری و به فضائل اخلاقی عمل می‌کردند. جامعه آن روز به دلیل تبلیغات و آگاهی‌بخشی امام، مهدب شده بود و به معنویات گرایش داشتند. تحول معنوی مردم در اوایل انقلاب مثال زدنی است. به همین دلیل مردم از انقلاب اسلامی با ماهیت فرهنگی و اخلاق الهی اسلامی حمایت کردند.

آگاهی‌بخشی و فقه سیاسی امام خمینی(ره)

از نظر امام خمینی(ره) طرز(شکل) حکومت اسلامی تابع مقتضیات زمانی و مکانی و با نظر مردم تعیین می‌شود؛ اما محور و محتوای حکومت در اسلام همان قوانین الهی است. البته اجرای قوانین الهی منوط به پذیرش مردم است. امام در این باره می‌گویند:

«... هم تکلیف شرعی‌تان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را ... همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید در همه امور ... همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید ... اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید ... بنابر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۲۵۳، ج ۲۱: ۴۲۶).

امام معتقد است فقیه عادل، زمانی که با رضایت مردم توانست حکومت تشکیل دهد، در آن صورت، مستقر کردن نظام عادلانه اجتماعی و اجرای قوانین الهی بر او واجب می‌شود؛ یعنی ولایت فقها بدون رضایت و موافقت مردم اصلاً به این مرحله نمی‌رسد. همین مسئولیت خطیر می‌باشد که امام یکی از ویژگی‌های مجتهد جامع شرایط را، آگاهی نسبت به مسائل گوناگون جهانی به منظور شناخت سیاست‌ها، خطرها و کمین‌گاه‌ها می‌دانند (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۱: ۲۸۹).

این که امام تأکید دارد از وظایف فقیه حاکم، حفظ اسلام، اجرای قوانین الهی، تامین زمینه برای رشد فضائل اخلاقی و خدمت به مردم است، همه این وظایف زمانی قابلیت اجرا پیدا می‌کند که مردم جامعه با آگاهی‌بخشی با فقیه جامع شرایط همراه شوند. اساساً امام خمینی(ره) از جمله وظایف فقیه حاکم را در استمرار حکومت و ادامه فعالیت قدرت سیاسی فقیه، جلب رضایت مردم بیان داشته و این وظیفه را تکلیف شرعی و عقلی می‌داند که رضایت و همراه کردن مردم با حکومت و رهبری با آگاهی‌بخشی بدست می‌آید (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۲۵۳ و ۲۳۰ و ج ۱۸: ۳۷۸ و ۳۷۹ و ج ۱۶: ۴۹۱ و ج ۲۱: ۴۲۶). در واقع، آگاهی مردم در مرحله اجرای احکام الهی تأثیرگذار است؛ اجرای قوانین الهی و مقررات مورد تأیید نظام هم توسط تک تک مردم، نهادهای مردمی و هم توسط نظام حاکم منوط به رضایت جامعه است و رضایت مردم و نهادهای مدنی برای حمایت از اجرای قوانین مبتنی بر آگاهی‌بخشی است و امام از این منظر نیز با آگاه کردن مردم تلاش کرد تا همه امور جامعه با رضایت و حمایت آنان باشد. مثل مشی امام در اداره جنگ تحمیلی و مقابله با توطئه‌های پشت سر هم گروه‌های معاند و نظام استکباری علیه انقلاب اسلامی.

ملاحظه می‌شود که آگاهی‌بخشی سیاسی و همراه کردن مردم با نظام، مطابق اندیشه و سیره امام خمینی(ره) هم در بُعد فلسفه سیاسی هم در بُعد اخلاق سیاسی و هم در بُعد فقه سیاسی ضروری است؛ چرا که مردم معتقد مؤمن با انگیزه و روحیه انقلابی، اساس وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد تغییر و تحول در سطوح باورها، اخلاق‌ها و رفتارها بوده و هستند. بنابراین، آگاهی‌بخشی در هر سه قسم در همه زمان‌ها لازم بوده و نقص در یکی، موجب نقص در دیگری می‌شود. در نتیجه، آگاهی‌بخشی جامعه باید در این منظومه شکل گرفته و کامل گردد.

هم‌چنین به نظر جامعه‌شناسان بین آگاهی سیاسی و اجتماعی شدن سیاسی و رفتار سیاسی شهروندان و بین نظام سیاسی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی اگر نظام سیاسی با آگاهی‌بخشی سیاسی موفق به حفظ الگوها و انتقال باورهای نظام به نسل جدید شود، می‌تواند استمرار نظام سیاسی خویش را با مشروعیت بالا تضمین کند؛ ولی اگر نتواند باورهای سیاسی خود را حفظ و آن را به نسل جدید منتقل نماید، فاصله بین مردم و نظام سیاسی زیاد می‌شود و در نتیجه، موجودیت نظام سیاسی در معرض خطر قرار می‌گیرد. به تعبیر برخی دیگر از اندیشمندان سیاسی، وجود وحدت و هم‌خوانی بین نظام سیاسی و ساختار با ارزش‌ها و باورهای جامعه، موجب استواری قوانین، استمرار قدرت سیاسی، تبدیل زور به حق، ایجاد همبستگی بین مردم و حاکمان، اطاعت مردم از نظام سیاسی و سبب بقای مشروعیت نظام سیاسی می‌شود (مایکل راش، ۱۹۹۸: ۱۲۰؛ سیدعبدالعلی قوام، ۱۹۹۴: ۱۲۷؛ سیدعبدالعلی قوام، ۱۹۹۵: ۱۷۷؛ رونالد چیلکوت، ۱۹۹۸: ۳۴۰؛ غلامعباس توسلی، ۱۹۹۰: ۲۳۰؛ ر. م. مک‌آیور، ۱۹۶۵: ۲۲، ۹۲ و ۹۶؛ حسین بشیریه، ۱۹۹۵: ۸۶؛ عبدالرحمن عالم، ۱۹۹۶: ۱۰۵).

1. Michael Rush
2. Ronald H Chilcote
3. Robert Morrison MacIver

امام خمینی(ره) بر اساس این اصل مهم بود که هم در تشکیل جمهوری اسلامی ایران و هم در استمرار آن بر آگاهی بخشی سیاسی مستمر مردم با انجام تبلیغات و تعلیمات و ایجاد یک موج تبلیغاتی و فکری و در جلب رضایت و پشتیبانی مردم مکرر تأکید داشتند (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۹۹۹: ۱۱۵؛ امام خمینی، ۱۹۹۹: ۱۷ و ۲۵۱ و ۲۵۲؛ امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۸: ۱۲۶ و ۱۲۷؛ امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۹: ۳۷ و ۳۶).

ابعاد آگاهی بخشی در منظومه فکری امام خمینی(ره)

بعد از این که آگاهی بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) در سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی دسته بندی و تبیین شد، در این جا لازم است که ابعاد آگاهی بخشی متأثر از سه قسم مذکور نیز برابر اندیشه و سیره امام مورد توجه قرار گیرد. امام به نقش آگاهی بخشی در انقلاب اسلامی از جهات گوناگون توجه دارد که به طور مختصر به آن ها اشاره می شود.

اهداف آگاهی بخشی

این که آگاهی بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) با چه هدفی صورت می گیرد؟ برابر بررسی انجام شده می توان گفت، امام هدف از آگاهی بخشی را ایجاد تحول و اتحاد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۱۸۴)، دگرگون ساختن تفکرات مادی گرایانه نظیر تفکر سرمایه داری (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۰: ۳۲۵)، نشر و تبلیغ اسلام به ملل دیگر (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۴۳۸)، افزایش بصیرت جامعه (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۱: ۲۸۸-۲۸۹)، شناساندن چهره واقعی انقلاب اسلامی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۶: ۵۱۶)، پی بردن به نقشه های دشمنان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۱: ۱۴۹) و رفتار آگاهانه مردم (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۱: ۲۸۸ و ۲۸۹) می دانند. این هدف آگاهی بخشی در سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی جاری است.

عرصه های آگاهی بخشی

این که آگاهی بخشی در کدام زمینه مد نظر امام بوده است؟ باید گفت، زمینه و عرصه آگاهی بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) گسترده بوده و همه جهات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مسائل کشور، منطقه و جهان و ... را شامل می شود (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۹: ۳۳۳-۳۳۴). در واقع، عرصه آگاهی بخشی در اندیشه و سیره امام هم سطح باورها، اخلاق و رفتار را در ابعاد مختلف در بر می گیرد. نمونه هایی از توجه و تأکید امام برای آگاهی بخشی عبارتند از: آگاهی بخشی در تعالیم اسلامی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۱۸۸) مانند اسلام عدالت پرور (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۳: ۱۱۴)، تقوا و ارزش های انسانی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۲۱۲)، تبیین تباین اسلام اصیل و ساختگی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۴۸۶)، بیان مسائل مفید برای اسلام و مسلمین (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۳: ۴۳۵)، بیان خطرات استکبار (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۸۰)، تشریح توطئه ها و نقشه های دشمنان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۴۳۸)، تبیین مصائب وارده بر جامعه مستضعفین

(امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۳۰۹) و روشنگری درباره عوامل تفرقه افکن و وحدت شکن (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۷: ۵۴۰).

عوامل آگاهی بخشی

عوامل آگاهی دهنده مردم در اندیشه و سیره امام خمینی (ره) طیف گسترده‌ای از افراد، گروه‌ها و نهادهای رسمی را شامل می‌شود؛ از جمله: عموم مردم (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۴۲۳ و ج ۱۷: ۸۰)، نویسندگان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۱۸۸)، دانشجویان و دانشمندان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۳: ۴۴۳)، روشنفکران و آزادی خواهان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۰: ۳۲۵)، جوانان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۱۴۹ و ج ۱: ۱۹۵)، روحانیون، طلاب، علما و خطبا (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۳۱ و ج ۱: ۱۱۱ و ج ۱: ۴۴)، نهاد دولت (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۴: ۱۲۸)، متعهدان، بیداران و دلسوزان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۹: ۲۳) و رجال سیاسی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۱۱۱). در نظر امام، عوامل آگاهی بخشی بایستی دارای ویژگی‌هایی باشند تا آگاهی دهی مطلوب و نتیجه بخش صورت پذیرد؛ مثل ویژگی تعهد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۸۹)، تزکیه نفس، تحقیق و شناخت مبانی اسلامی و قرآنی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۱۹۵)، علم و آگاهی و روشن بینی و روشنگری (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۰: ۱۱۸).

همان طور که ملاحظه شد، از دیدگاه امام، در چرخه آگاهی بخشی، عوامل آگاهی دهنده دارای اهمیت بوده و شرایط لازم برای آگاهی دهندگان نیز از نظر ایشان پنهان نمانده است.

مخاطبان آگاهی بخشی

این که پیام ما باید به چه کسانی برسد و دایره آگاه شوندگان چه افراد و نهادهایی هستند؟ باید گفت، در اندیشه امام، مخاطبان آگاهی بخشی در دو سطح داخلی و خارجی جای می‌گیرند. مخاطبان آگاهی بخشی در سطح داخلی شامل عموم مردم (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۹: ۲۷۲ و ج ۱۷: ۱۴۳)، دانشگاهیان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۴: ۲۸۰)، حوزویان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۱۱۱) و جوانان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۲۲۰) و در سطح خارجی شامل افکار عمومی جهانیان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۳: ۱۱۴)، مردم و مستضعفان جهان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۱۹۲)، مسلمانان جهان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۳۱)، دولت‌ها (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۱۴۱) و حتی مستکبران (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۱۸۹) نیز می‌شود.

همان طور که ملاحظه می‌شود، از دیدگاه امام، همه باید از آگاهی لازم برخوردار باشند؛ به عبارت دیگر، مطابق اندیشه امام اصل بر داشتن مردم و جامعه آگاه و بصیر است؛ حتی برای حضور مؤثر در دنیا لازم است، مردم و جامعه پیرامون ما و افکار عمومی جهان نسبت به باورها، سیاست‌ها، اهداف و برنامه‌های ما آگاه باشند.

ابزار و راه‌های آگاهی‌بخشی

در پاسخ به این پرسش که برای آگاهی‌بخشی مردم و جامعه باید از چه روش و ابزاری استفاده کرد؟ باید گفت، مطابق اندیشه و سیره امام خمینی(ره) لازم است برای بیداری و آگاهی‌بخشی مردم از هر وسیله و روش ممکن مشروع(همان) استفاده کرد؛ ابزارهایی مانند رادیو و تلویزیون (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۴۸۶)، شعر و ادبیات (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۲۵۳)، مطبوعات (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۸: ۵۶)، ظرفیت‌های بین‌المللی نظیر حج (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۸: ۱۰۴ و ۹۱)، استفاده از نثر، خطابه، کتاب و آنچه موجب آگاهی و بیداری جامعه و ملت‌ها است. حتی در اجتماعات خصوصی از این وظیفه غفلت نکنند (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۲۵۳ - ۲۵۴). هم‌چنین ایشان نهادها و مراکز دینی مثل مساجد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲: ۸۴) را از دیگر پایگاه‌های مهم آگاهی‌بخشی قلمداد می‌کنند.

از دیدگاه امام، تبلیغات و تعلیمات، دو روش مهم برای آگاهی‌بخشی و تغییر باور مردم محسوب می‌شود. ایشان در کتاب ولایت فقیه خود، (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۹۹۹: ۱۱۶) اوضاع اجتماعی مسلمانان را در دوره پیش از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهند و معتقدند، این که امروز، ما برای تشکیل حکومت و حاکمیت فقیه، احتیاج به استدلال پیدا کردیم، ناشی از تبلیغات و تعلیمات استعمارگران و سهل‌انگاری حوزه‌های علمیه است. استعمارگران با استفاده از این دو ابزار موثر به باور مردم آوردند که اسلام دین جامعی نیست، دین زندگی نیست، برای جامعه، نظامات و قوانین ندارد و این تبلیغات و تعلیمات استعمارگران به مرور زمان در مردم اثر گذاشت. دشمنان ما امروز نیز با تبلیغات گسترده در حال تخریب باورهای مردم هستند.

امام معتقد است برای تغییر باور مردم و همراه ساختن آنان با اندیشه اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی و برای اجرای احکام الهی باید از طریق تبلیغات و تعلیمات اقدام کنیم. از دیدگاه وی برای انجام انقلاب اسلامی، حاکمیت اسلام و اداره امور جامعه بر اساس قوانین الهی، اصل بر کار فرهنگی و داشتن مردم بصیر و آگاه است. وی در این زمینه می‌گوید:

«از راه تبلیغات و تعلیمات باید مردم را آگاه کنیم. باید همفکر بسازیم. یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود بیاوریم؛ تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده‌های آگاه و وظیفه‌شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند» (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۹۹۹: ۱۱۶).

امام خمینی(ره) استفاده از اجتماعات مذهبی برای آگاهی‌سازی مردم را ضروری می‌داند. وی تأکید دارد، باید از اجتماعات مثل نماز جماعت و اجتماع حج و جمعه استفاده دینی کنید و مردم را رشد فکری بدهید و به دنبال آن به جهاد و کوشش دسته جمعی بپردازند. کاری کنید که راجع به حکومت، موجی به وجود آید، اجتماعات برپا گردد. برای مردم نطق کنید، آنان را به شور و حرکت درآورید. از مردم کوچه و بازار، از همین کارگران و دهقانان پاکدل و دانشجویان بیدار، مجاهد بسازید. مبارزه برای آزادی و سعادت، احتیاج به دین دارد. برای استقرار حکومت اسلامی احتیاج به فعالیت‌های متنوع و مستمری داریم. این هدفی است که

احتیاج به زمان دارد. فعالیت‌های ما اگر هم برای نسل آینده نتیجه بدهد، باید دنبال شود. امام معتقد است باید برنامه درسی و روش تبلیغات و تعلیمات تکمیل شود. امام با تأکید می‌گوید:

«جدیت به خرج دهید، قطعا موفق می‌شوید. امیدوارم که معرفی طرح حکومت اسلام به گروه‌های عظیم بشر، موجی در افکار به وجود آورد و قدرتی که از نهضت مردم پدید می‌آید عامل استقرار نظام اسلام شود» (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۹۹۹: ۱۵۳).

همان‌طور که ملاحظه شد، امام با تکیه بر فعالیت‌های فرهنگی و ضرورت ایجاد مقبولیت برای حکومت و اجرای احکام الهی، استفاده از هر روش و وسیله مشروع و موثر را برای بیداری و آگاهی‌بخشی مردم و ملت‌ها جایز و ضروری می‌داند. ایشان در اندیشه و سیره خود در استفاده از روش تبلیغات و تعلیمات، برنامه درسی و مراسم و نهادهای مذهبی برای آگاهی‌بخشی تأکید داشتند.

موانع آگاهی‌بخشی

انقلاب اسلامی از روزهای آغازین خود تاکنون همواره با موانع و مشکلاتی بر سر راه آگاهی‌بخشی جامعه مواجه بوده است. این موانع سبب ایجاد اخلال و در نتیجه باعث می‌شدند تا بیداری و بصیرت لازم در مردم شکل نگیرد. امام در انجام آگاهی‌بخشی، همگان را به این موانع داخلی و خارجی توجه داده است. در این جا به برخی از موانع به‌طور مختصر اشاره می‌شود:

– **توطئه‌ها و نقشه‌های استعمارگران:** به نظر امام، از برنامه‌های درازمدت استعمارگران، تحریف اسلام و استحاله مفاهیم اسلامی و تفسیرهای ناروا از دین بوده است (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۷: ۲۰۵ و ۲۰۶). در واقع، تحریف اسلام و تقلیل آموزه‌های اسلامی، از مهم‌ترین موانع بیداری جامعه اسلامی می‌باشد. امام به این مانع خارجی آگاهی‌بخشی توجه کرده و هشدار می‌دهد:

«تبلیغ کرده‌اند که اسلام دین جامعی نیست، دین زندگی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد. طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است. اسلام فقط احکام حیض و نفاس است، اخلاقیاتی هم دارد، اما راجع به زندگی و اداره جامعه چیزی ندارد...» (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۹۹۹: ۸) «همه توطئه‌های جهان خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوییم: اسلام، جوابگوی جامعه است و حتما در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم...» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۱: ۳۹۰).

بنابراین، برای توفیق در آگاهی‌بخشی جامعه لازم است به این مانع خارجی و نقشه فرهنگی دشمنان اسلام توجه نماییم.

– **عمال استعمار:** به نظر امام از موانع آگاهی‌بخشی مردم، عمال غرب‌زده و شرق‌زده استعمارگران هستند. در واقع، استعمارگران به دست عمال به اصطلاح روشنفکر خود در تلاشند تا اسلام و علمای آن را به انزوا بکشانند. استعمارگران با استخدام بسیاری از سلاطین و حکام مسلمین و با دست آنان، ملت‌ها را به استضعاف و استثمار کشانند و فقر و بدبختی را بر کشورهای اسلامی تحمیل کردند. (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۸: ۸۸-۸۹). امام در این باره می‌گویند:

«مشکل مسلمین حکومت‌های مسلمین است. این حکومت‌ها هستند که مسلمین را به این روز رسانده‌اند...» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۳: ۸۳).

- **خودباختگی:** به نظر امام، خودباختگی در برابر پیشرفت‌های مادی استعمارگران از موانع آگاهی‌بخشی جامعه است. چرا که جامعه‌ای که خود را در برابر غرب ببازد و آنچه دارد، دست بکشد و دین و احکام الهی خود را کنار بگذارد، در واقع در غفلت و جهالت قرار گرفته است (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۳: ۱۹۹۹).

- **تجبر و مقدس‌نماها:** امام یکی از خطرات و رهنمان موجود در مسیر آگاهی‌بخشی و بیداری را نه تنها در بین ملت ایران بلکه در بین ملل مسلمانان، مقدس‌نماهایی می‌داند که در ظاهر لباس حق را بر تن کرده اما در باطن دشمن امت اسلامی هستند. از این رو ایشان برای گسترش اسلام ناب محمدی، شناخت و مبارزه با آنان را ضروری می‌دانند.

«... آمریکا و استکبار، در تمامی زمینه‌ها افرادی را در آستین دارند. در حوزه‌ها و در دانشگاه‌ها، مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام، اینان با تزویرشان، از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شر اینها به خدا پناه ببریم ... امروز جهان تشنه اسلام ناب محمدی است ...» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۱: ۷۸).

«امروز جامعه مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلو نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به اسم اسلام به اسلام ضربه می‌زنند ... روحیه و افکار خود را به نام اسلام در جامعه سرایت می‌دهند» (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۹۹۹: ۱۴۴ و ۱۴۵).

نویسندگان و گویندگان منحرف (امام خمینی، ۲۰۰۷: ۱۵۷-۱۵۹)، شایعه افکنی (امام خمینی، ۲۰۰۷: ۱۷۶)، تفرقه (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۲۱: ۹۱)، تقلید و تعصب کورکورانه، عدم اخلاص و نیت الهی داشتن در کارها (امام خمینی، ۱۹۹۲: ۳۹۲) از دیگر موانع و آفات آگاهی‌بخشی و بصیرت جامعه در اندیشه امام خمینی (ره) می‌باشد.

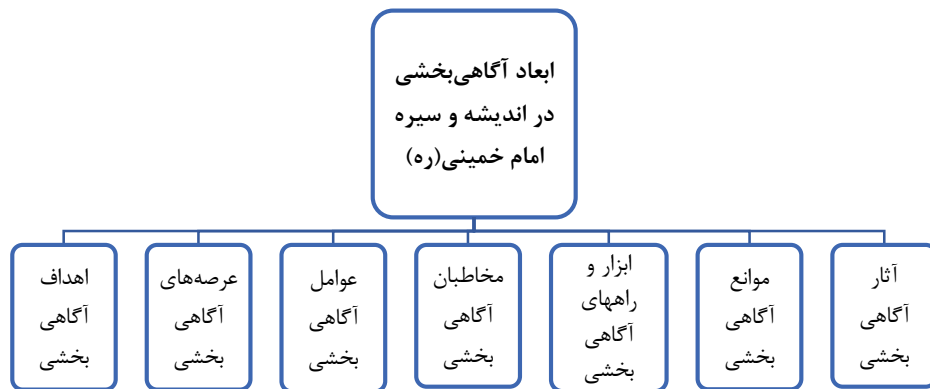
همان‌طور که ملاحظه شد، برابر اندیشه و سیره امام خمینی (ره) در فرایند آگاهی‌بخشی و برای کسب موفقیت لازم است به موانع داخلی و خارجی آگاهی‌بخشی توجه نماییم.

آثار آگاهی‌بخشی

جامعه آگاه دارای ویژگی‌هایی مثبت زیادی است؛ در واقع، آگاهی‌بخشی آثار مثبت فراوانی دارد که امام خمینی (ره) به برخی از این آثار، توجه داده‌اند، از جمله: قدرت‌آفرینی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۵۰۱)، قطع ایادی اجانب و بسط عدالت اسلامی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۳: ۱۱۴)، انسجام و وحدت جامعه (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۸: ۹۱ و ج ۱۶: ۱۹۸)، تقویت روحیه ملت (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۴: ۷۳)، مشارکت سیاسی آگاهانه (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۰: ۲۵۲)، نقد منصفانه (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱: ۴۲۳)، عدم تأثیر تبلیغات سوء دشمنان (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۵: ۱۴۸)، تکامل نهضت (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۲۸۳)، تحول (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۱۸۴ و ج ۱۷: ۲۱۲)، ایثار و از خودگذشتگی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۵: ۹)، عزت، استقلال

و آزادی (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۱۵: ۱۶۸) و خودکفایی و استقلال (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۶: ۲۴۹). به عنوان نمونه یک عبارت از امام در این باره تقدیم می‌شود:

«شما با قیام و استقامت خود به ملت‌های مستضعف ثابت کردید ... که قدرت ملتی آگاه، بر تمامی سلاح‌های ابرقدرت‌ها پیروز است» (امام خمینی، ۱۹۹۹: ج ۵: ۵۰۱).



شکل ۲: ابعاد آگاهی‌بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره)

همان‌طور که ملاحظه شد، امام خمینی(ره) در اندیشه و سیره خود در جریان انقلاب اسلامی و رهبری آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی به همه ابعاد آگاهی‌بخشی در هر سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی توجه داشته‌اند. در واقع از عوامل موفقیت امام، انجام درست و به موقع آگاهی‌بخشی با عنایت به همه ابعاد آن بوده است.

نتیجه‌گیری (نتایج و پیامدها)

بنا به اجماع صاحب‌نظران در بحث انقلاب‌ها، حضور آگاهانه مردم از شرایط اصلی هر انقلابی است. امام خمینی(ره) با علم به این نکته اساسی، آگاهی‌بخشی مردم ایران را در دستور کار خود و همفکرانش قرار داد. از دیدگاه امام، مردم آگاه و بصیر ایران از عوامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی بوده و عامل حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشند. به تعبیر دیگر، عنصر آگاهی‌بخشی را می‌توان هم عامل محدثه و هم عامل مبقیه انقلاب اسلامی در نظر گرفت. آگاهی‌بخشی سیاسی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) در سه قسم فلسفه سیاسی، اخلاق سیاسی و فقه سیاسی دسته‌بندی می‌شود. به تعبیر دیگر، لایه‌های آگاهی‌بخشی در نظر امام شامل سطوح باورها و اعتقادات، اخلاق و رفتار می‌باشد و آگاهی‌بخشی در هر یک از سه قسم یاد شده در یکدیگر تأثیرگذارند. هم‌چنین از دیدگاه امام در انجام

آگاهی‌بخشی باید به ابعاد مختلف آن یعنی اهداف، عرصه‌ها، عوامل، مخاطبان، ابزار و راه‌ها، موانع و آثار آن توجه داشت.

تبلیغات و تعلیمات دو روش مؤکد امام خمینی(ره) برای آگاهی‌بخشی جامعه می‌باشد. امام با استفاده از این روش، توانست نظر اسلام را پیرامون ولایت فقیه به عنوان طرح جایگزین نظام شاهنشاهی برای مردم تبیین کرده و با رفع ابهامات و با آگاهی‌بخشی مردم از ابعاد اعتقادی، اخلاقی و رفتاری، آنان را آماده مبارزه با رژیم مستبد پهلوی نماید و با استفاده از موج تبلیغاتی و با ایجاد جریان همفکر توانست، نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران را ساقط و نظام جمهوری اسلامی ایران را با همراهی مردم، مستقر سازد و نسبت به اجرای احکام و قوانین الهی اقدام کند. امام از همین شیوه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در جریان جنگ گروه‌های معاند با نظام نوپای جمهوری اسلامی و جنگ تحمیلی هشت ساله رژیم بعثی عراق علیه ایران نیز استفاده کرد و موفق شد. در این‌جا به برخی از آثار و نتایج پژوهش حاضر به اجمال اشاره می‌شود:

- استفاده از شیوه امام خمینی(ره) در حل مشکلات کشور؛ شیوه موفق امام خمینی(ره) در استفاده از عنصر آگاهی‌بخشی در پیروزی انقلاب اسلامی و اداره جمهوری اسلامی ایران قابلیت دارد تا برای حل ضعف آگاهی و مشارکت سیاسی مردم در زمان حاضر مورد استفاده قرار گیرد؛ در واقع، با این پیشنهاد، اقامه دین و اجرای قوانین الهی در نظام جمهوری اسلامی ایران تسهیل و زمینه حل مشکلات فراهم می‌شود؛

- ترویج منظومه فکری و سیره امام خمینی(ره)؛ اندیشه امام راحل از مبانی تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران است و لازمه استمرار نظام، زنده نگهداشتن اندیشه و سیره امام می‌باشد؛

- حفظ سرمایه اجتماعی (توجه به پایه مردمی نظام)، باز تولید قدرت ملی، وحدت ملی و استقلال طلبی؛ در واقع، در صورت موفقیت در امر آگاهی‌بخشی، انسجام و وحدت ملی، مشارکت سیاسی و مقبولیت نظام افزایش می‌یابد؛

- تقویت گفتمان انقلاب اسلامی؛ از گفتمان‌های اصلی انقلاب اسلامی منظومه فکری امام خمینی(ره) است. پژوهش حاضر با بررسی رابطه انقلاب اسلامی و آگاهی‌بخشی در اندیشه و سیره امام خمینی(ره) در واقع در راستای تقویت گفتمان انقلاب اسلامی قابل ارزیابی است؛

- توجه به بُعد فرهنگی در حل مسائل کشور؛ از نکات قابل تأمل و از نتایج تحقیق حاضر این است که برای حل اساسی مشکلات موجود لازم است به ابعاد فرهنگی موضوع توجه شود و این پژوهش نمونه‌ای از توجه به این مهم می‌باشد؛

- گستره و فراگیری شیوه امام؛ نظر به جامعیت اندیشه و سیره امام و اتصال آن به مبانی اسلام ناب محمدی(ص)، شیوه امام در استفاده از عنصر آگاهی‌بخشی برای حل برخی از مشکلات کشور می‌تواند الگویی برای مسوولان جمهوری اسلامی ایران و جوامع اسلامی باشد.

امید است با توجه به نقش آگاهی‌بخشی و با انجام اقدامات فرهنگی تبلیغی بتوانیم زمینه استمرار نظام جمهوری اسلامی ایران را با مقبولیت بالا تسهیل نماییم.

References

- abatabaei, Seyyed Mohammad Hussein (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Qom: Islamic Publications Office, fifth edition.
- Alam, Abdolrahman (1996). *Foundations of Political Science*, Tehran: Nay Publishing.
- Bashirieh, Hossein (1995). *Political Sociology*, Tehran: Nay Publishing House.
- Explanation of the poem, Mullah Hadi Sabzevari, Maktaba al-Mustafa Press, Qom.
- Farhang Amid, Hassan Amid(1981). *Amir Kabir*, Tehran: (A.H.).
- Ibn Faris, Mujam, Ahmad (1984). *Mujam Maqais al-Lagheh*, corrected by Abdus Salam Mohammad Harun, Qom, Islamic Propaganda Office, first edition. (In Persian)
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1993). *Lisan al-Arab*, researched by Jamal al-Din Mirdamadi, Beirut, Dar al-Fikr-Dar Sadr, third edition. (In Persian)
- Imam's Page: Collection of Imam Khomeini's (PBUH) (1999). *works* (statements, messages, interviews, rulings, religious permissions and letters), volumes 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 13, 14, 15, 16, 17, 18, 19, 20, 21 and 22, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's (PBUH) Works.
- Khomeini, Ruhollah (1992). *Commentary on Forty Hadiths*, Vol. 4, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (1999). *Velayat al-Faqih*, vol. 9, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (2007). *Social Strata from the Perspective of Imam Khomeini (PBUH)*, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini (PBUH), Tehran, Iran, Publication: 2, AH.
- Khomeini, Ruhollah (2012). *Explanation of the Soldiers of Wisdom and Ignorance*, Vol. 14, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (2015). *The Great Jihad or the Struggle with the Self*, Vol. 31, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Malekzadeh, Mohammad (2006). *The Political Life of the Infallibles (PBUH) in the Age of Sovereignty*, Tehran: Young Thought Center, first edition.
- McIver, R. M. (1965). *Society and Government*, translated by Ebrahim Ali Kani, Tehran: Translation and Book Publishing House.
- Michael Rush (1998). *Society and Politics*, An Introduction to Political Sociology, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samt.
- Motahari, Morteza (2001). *Collection of Works of Master Shahid Motahari*, Vol. 16, Tehran: Sadra, 4th edition.
- Motahari, Morteza (2004). *Collection of Works of Master Shahid Motahari*, Vol. 22, Tehran: Sadra, first edition.
- Qavam, Seyyed Abdol Ali (1995). *Comparative Politics*, Tehran: Samt, 1994; Ibid., Critique of the Theories of Modernization and Political Development, Tehran: Shahid Beheshti University.
- Ronald Chilcot (1998). *Comparative Political Theories*, translated by Vahid Bozorgy and Alireza Tayyeb, Tehran: Rasa Cultural Services Institute.

- Shahidi, Jafar; Dekhoda, Ali Akbar; Mehraki, Iraj; Sotoudeh, Gholamreza; and Soltani, Akram (2011–2006). *Dictionary* (Volume 1–2). Tehran - Iran: University of Tehran. Publishing and Printing Institute.
- Tavassoli, Gholam Abbas (1990). *Sociological Theories*, Tehran: Samt.